


مقایسه وضعیت ادراک شده و آرمانی ساختار خانواده در پنج شهر ایران*

A Comparative Study on Perceived & Ideal Family Structures
in 5 Iranian Cities*

Mohammad Ali Mazaheri,  Ph.D.
Mansoure Sadat Sadeghi, M.Sc.
Mahmoud Heidari, M.Sc.

دکتر محمد علی مظاهری**
منصوره سادات صادقی**
محمود حیدری**

Abstract

Through a national research, perception and ideal family structures of parents and their young adult children in 4 different Iranian ethnicities were compared. Three hundred and seventy six families (1128 persons) including father, mother and a young adult child (1529 yearsold) were selected randomly by cluster sampling among families living in Tehran (as the capital and mixed ethnic groups), Isfahan (for Farses), Tabriz (for Torks), Sanandaj (for Kords), and Khoramabad (for Lors) cities. All three members of the families participating in the project completed the Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale-third version (FACES-III, Olson et al. 1985) separately. Results revealed significant differences between perception and ideal family structures of the family members in different cities. For instance, while young adult

چکیده

هدف از اجرای پژوهش حاضر - به عنوان یک پژوهش ملی - مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در جوانان و والدین آنها با نگاهی مقایسه‌ای در بین قومیت‌های مختلف ایرانی می‌باشد. بدین منظور تعداد ۳۷۶ خانواده (۱۱۲۸ نفر) متشکل از پدر، مادر و یک فرزند جوان (۱۵ تا ۲۹)، از میان خانواده‌های ساکن در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، سنندج و خرم‌آباد، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. هر سه عضو خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح به‌طور جداگانه ویرایش سوم مقیاس ارزشیابی انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده (FACES III)، السون و همکاران، (۱۹۸۵)، را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد بین وضعیت‌های ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها در شهرهای مختلف تفاوت‌های معناداری وجود دارد. به عنوان نمونه در حالی که فرزندان جوان خانواده‌های ساکن در شهر تبریز در مقایسه با چهار شهر دیگر مورد مطالعه، کمترین فاصله را با والدین خود در بعد پیوستگی ادراک شده و آرمانی و نیز در بعد

* Shahid Beheshti University, Family Research Institute
✉ m-mazaheri@sbu.ac.ir Tel: (+98) 21-2990 23 66
Fax: 29 90 23 68

این پژوهش با حمایت مالی سازمان ملی جوانان انجام شده است.
دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۷/۳۰، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۸/۱۲
** دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی - تهران

children in Tabriz showed the lowest distance with their parents in the perceived and ideal cohesion and the perceived adaptability scales, they showed the highest distance with their parents in the ideal adaptability scale. Comparison of the family satisfaction between young adult children and their parents also revealed interesting differences between the five cities; While the young adult sons in Tabriz and Koramabad showed lower satisfaction than one or both of their parents, in Tehran, Isfahan, and Sanandaj, it was the young adult daughters who reported lower family satisfaction than one or both of their parents. Review of the observed differences; strongly suggest the proposition that these differences are mostly related to the ethnical characteristics (subcultural values about closeness and togetherness, change, control and gender) of families as well as ecological differences between these cities.

Keywords: perceived family structure, ideal family structure, parents, young adult children, FACES-III, ethnicity, Iran.

انطباق پذیری ادراک شده نشان دادند، این گروه در مقایسه با چهار شهر دیگر مورد مطالعه، بیشترین فاصله را با والدین خود در بعد انطباق پذیری آرمانی دارا بودند. در بررسی و مقایسه سطح رضایت خانوادگی فرزندان جوان خانواده‌های شرکت کننده در طرح با والدین آنها نیز تفاوت‌های جالب توجهی بین پنج شهر مورد مطالعه مشاهده شد. در حالی که در شهرهای تبریز و خرم آباد فرزندان جوان پسر خانواده‌های شرکت کننده در طرح، سطح رضایت پایین تری از یک یا هر دو والدین خود نشان دادند، در شهرهای اصفهان، سنندج و تهران این فرزندان جوان دختر خانواده بودند که سطح رضایت پایین تری از یک یا هر دو والدین خود گزارش کردند. مرور اجمالی تفاوت‌های مشاهده شده این فرض را مطرح می‌کند که این تفاوت‌ها را بایستی بیش از هر چیز به خصوصیات قومی خانواده‌ها، خصوصیات مختلف روان‌شناختی، ارزشها و فرهنگ و نیز تفاوت زیست بومها در شهرهای مورد مطالعه نسبت داد. **کلید واژه‌ها:** ساختار خانواده ادراک شده، ساختار خانواده آرمانی، جوانان، والدین.



● مقدمه

«خانواده» به عنوان مهمترین نهاد و هسته اصلی تعاملات اجتماعی و نیز نخستین منبع تفاهم و انطباق پذیری روانی، به طور جدی از ادراک، آرمانها و نگرشهایی که در میان اعضای آن، خصوصاً والدین و جوانان رد و بدل می‌شود، متأثر است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲). خانواده نهادی اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی است که پایه‌ای ترین شکل اجتماعی و اصلی ترین جزء اجتماع است و همانند آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود داشته و انعکاسی از سامان یا نابسامانیهای اجتماعی است. علاوه بر این، خانواده از مهمترین عوامل مؤثر بر جامعه است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت دست یابد، مگر آنکه خانواده‌های سالمی داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵). در جوامع قدیم به علت آنکه تغییرات و تحولات اجتماعی سرعت و شتاب چشمگیری نداشت، محیط خانوادگی از لحاظ کسب اطلاعات برای فرزندان تقریباً محیطی بسته، و خانواده گسترده بود و به همین دلیل ارزشها

و هنجارهای والدین که مورد تأیید فرهنگ جامعه نیز بود، به راحتی و بدون هیچ مشکلی به فرزندان منتقل می‌شد (بیات، ۱۳۸۲). اما با پیدایش عصر رنسانس و تحولات پس از آن، در نهاد خانواده تحولات اساسی و بنیادی رخ داد.

منشأ اصلی و بنیادی تفاهم و روابط اجتماعی ریشه در تعاملات و ارتباطاتی دارد که سرچشمه آن خانواده و اعضای است که نسلی را می‌سازند. رابطه اعضای این «خرده فرهنگ»^۲ رابطه‌ای عمیق و چند لایه است که عمدتاً بر اساس تاریخچه، ادراکها و فرضهای مشترک و درونی شده راجع به جهان و اهداف مشترک بنا نهاده شده است و در چنین نظامی، افراد به وسیله علائق و دل‌بستگیهای عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند (سگالن^۳، ۱۳۷۰). به نظر توکلی (۱۳۷۸) انسان در طول تاریخ به روابط میان‌نسلی توجه داشته است و البته در چند دهه اخیر توجه بسیار بیشتری به بررسی روابط بین نسلی یا روابط میان اعضای خانواده شده است. بخشی از این مطالعات بر محور شناخت تفاوتها و شباهتهای دو نسل والدین و فرزندان صورت گرفته است. در طی دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ پژوهشگران علوم اجتماعی به پدیده‌ای به نام «شکاف نسلی»^۴ خیلی علاقمند شدند - نوعی «تمرد» (طغیان)^۵ نوجوانان علیه والدینشان که بین آنها اختلافات قابل ملاحظه‌ای به وجود می‌آورد. برخی پژوهشگران به اختلافات عمیق بین نسلی اعتقاد داشتند (فریدنبرگ، ۱۹۶۹ و توماس، ۱۹۷۴، اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳) و برخی اختلافات نگرشی بین والدین و فرزندان نوجوانان را خیلی کم دانسته (مانند لرنر و اسپانیر، ۱۹۸۰)، و یا اصلاً اختلافی گزارش نکردند (نلسن، ۱۹۸۱b و کوپراسمیت^۶ و همکاران، ۱۹۷۵؛ به نقل از اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهشگران عوامل متعددی را در بروز این اختلافات مؤثر دانستند که از آنجمله به اختلاف نگرشها و میزان توافق والد - فرزند در مباحث گوناگون اشاره شده است (لرنر و اسپانیر، ۱۹۸۰)، و تأکید شد یکی از زوایایی که مرتبط با شکاف نسلی می‌باشد، نوع رابطه والد - فرزند و عوامل درون خانوادگی است.

در همین زمینه اما از زاویه‌ای متفاوت لی، چو و کیم (۲۰۰۰) یکی از دلایل اختلاف بین والدین و فرزندان و در نتیجه فاصله بین نسلی را مربوط به «تعارضات درون‌سازی کردن فرهنگ خانواده»^۷ یافتند. این پژوهشگران توضیح دادند که بسیاری از اختلافات بین نسلی نتیجه تعارضات آموزش درونی سازی کردن فرهنگ در زمان انتقال فرهنگ از والدین به فرزندان است. این نوع تعارضات بخصوص منجر به ایجاد تنیدگی بیشتر بین والدین و فرزندان شده و منجر به عدم تفاهم و درک والد - فرزندی می‌گردد. کترین، کاستیگان و دافنه (۲۰۰۲) نیز اعتقاد دارند که تفاوت در درون‌سازی و آموزش فرهنگی منجر به تعارض در فهم انتظارات متقابل می‌گردد.

فرهنگ به عنوان شکل دهنده خانواده، بر تعریف خانواده‌ها از روابط، وظایف، رفتار بهنجار، آیینها و ... تأثیرگذار است. البته با آنکه فرهنگ رفتار اجتماعی را شکل می‌دهد، تنها عامل تعیین‌کننده نیست، زیست‌شناسی و «زیستوم»^۱ هم در این امر نقش اساسی دارند. تحقیقات نشان می‌دهند که رفتار انسان علاوه بر ارزشها و معیارهای فرهنگی، از عوامل بوم شناختی نیز متأثر می‌شود. زندگی در زیستوم‌های مشترک و محیطهای فیزیکی و ساختارهای اجتماعی مشابه، منجر به شباهتهای فرهنگی آن مناطق و برخی تفاوتهای فرهنگی با دیگر مناطق می‌شود (تری پاندریس^۱، ۱۳۷۸).

در پژوهش حاضر سعی شده است تا برای نخستین بار در ایران تا حدودی با نگاهی مقایسه‌ای بین اقوام ایرانی به بررسی تفاوتهای بین وضعیت ادراک شده و وضعیت آرمانی در ساختارهای خانواده جوانان و والدین آنها در شهرهای مختلف، پرداخته شود. همچنین در پژوهش حاضر تفاوت جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها و نیز سطح و مؤلفه‌های رضایت خانوادگی جوانان (دختر و پسر) و والدین آنها در ساکنان این شهرها و مقایسه شهرها با یکدیگر، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

● روش

○ «جامعه آماری» پژوهش حاضر شامل کلیه خانواده‌های ساکن در شهرهای مراکز استانهای کشور می‌باشد، که با توجه به تفاوتهای قومی، پنج استان تهران (به عنوان مرکز و پرجمعیت‌ترین شهر)، اصفهان، تبریز، سنج و خرم‌آباد انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش به طور مجزا به پدر، مادر و فرزند جوان ارائه می‌شد. قابل ذکر است ابزارهای تکمیل شده در همان جلسه و به طور حضوری از طرف پرسشگر دریافت می‌شد. در شرایطی که هر یک از اعضای خانواده کم سواد یا بی سواد بودند، پرسشگر شخصاً، به دور از حضور سایر افراد خانواده و به طور جداگانه پرسشهای ابزار را برای آزمودنی قرائت و پاسخهای وی را در پاسخنامه درج می‌کرد. بدین ترتیب از هر یک از شهرهای انتخاب شده، ۷۵ خانواده متشکل از پدر، مادر و یک فرزند جوان معادل ۲۲۵ نفر و در مجموع تعداد ۳۷۶ خانواده (یعنی ۱۱۲۸ نفر) در پژوهش شرکت کردند.

○ ابزار

□ الف - مقیاس ارزشیابی انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده، و برایش سوم^{۱۱} (FACES-III). این مقیاس به منظور ارزیابی‌کنش وری خانواده براساس «الگوی سرکامپلکس» طراحی و تهیه شده

است و یکی از پرکاربردترین مقیاسهای مورد استفاده برای اندازه گیری ساختار خانواده می باشد. این مقیاس یک ابزار خود گزارش دهی است که هر یک از اعضای خانواده به طور جداگانه آن را پر می کنند. یعنی اطلاعات مربوط به طبیعت و ماهیت خانواده از چندین عضو جمع آوری می شود. بدین ترتیب دیدگاههای مختلف اعضای خانواده را در ارزیابی خانواده به عنوان یک نظام سازمان یافته، در نظر می گیرد (مینوچین، ۱۹۸۵). این مقیاس که سومین تجدید نظر «مقیاس ارزشیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده» می باشد به منظور اندازه گیری دو بعد اصلی الگوی «سرکامپلکس» یعنی «پیوستگی»^{۱۱} و «انطباق پذیری»^{۱۲} خانواده طراحی شده است (السون و همکاران، ۱۹۸۵). این مقیاس شامل ۲۰ سؤال از نوع لیکرت می باشد. برای طبقه بندی خانواده ها با تعریف چهار سطح روی هر یک از ابعاد - رها شده، جدا شده، پیوسته و ادغام شده روی بعد «پیوستگی»؛ و بی نظم، انعطاف پذیر، ساخت یافته و انعطاف ناپذیر روی بعد «انطباق پذیری» - و ترکیب این سطوح با یکدیگر ۱۶ نوع مختلف از نظامهای زناشویی و خانوادگی به دست می آید. هر خانواده براساس نمرات به دست آمده در هر یک از ابعاد این مقیاس و جای گرفتن در یکی از چارکها، با یکی از این انواع شانزده گانه تطبیق می یابد. انواع مرکزی تر انواعی هستند که عمومی تر هستند و چنین فرض شده است که خانواده ها و زوجینی که دارای مشکل هستند معمولاً در انواع افراطی طبقه بندی می شوند (السون و همکاران، ۱۹۸۳). این ۱۶ نوع خانواده را می توان در ۳ گروه کلی تر و پایه ای تر قرار داد: چهار نوع متعادل، هشت نوع کناری و چهار نوع افراطی. السون چنین فرض کرده است که تفاوت بین ادراک شخص از اینکه خانواده چگونه کنش می کند و به طور آرمانی خانواده چگونه بایستی کنش کند، اندازه گیری مستقیم رضایت از خانواده را فراهم می آورد. بنابراین، مقیاس به شکلی طراحی شده است که توصیف وضعیت ادراک شده و وضعیت آرمانی نظام زناشویی و خانواده را به دست آورد. بدین منظور مقیاس دو بار اجرامی شود: یک بار برای اینکه اساساً فرد چگونه خانواده خود را می بیند، و یک بار برای اینکه فرد چگونه خانواده خود را می خواهد. سپس نمره آرمانی از نمره واقعی کم شده و هرچه تفاوت بزرگ تر باشد رضایت خانواده کمتر و پایین تر است (السون و همکاران، ۱۹۸۵ و السون، ۱۹۸۹). در خصوص ویژگیهای روان سنجی این آزمون همبستگی گزارش شده بین پیوستگی و انطباق پذیری تقریباً صفر بوده است ($r = 0.003$) و این بدین معناست که دو بعد کاملاً مستقل از یکدیگر می باشند. «اعتبار» مقیاس ارزشیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده، 0.77 برای بعد پیوستگی و 0.62 برای بعد انطباق پذیری برآورد شده است (وندویک و اکبلاد، ۱۹۹۳). همچنین در پژوهش حاضر اعتبار مقیاس ارزشیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده توسط

آلفای کرونباخ برای بعد پیوستگی ۰/۷۴ و برای بعد انطباق پذیری ۰/۷۵ به دست آمد. البته فرم خانوادگی مقیاس ارزشیابی انطباق پذیری و پیوستگی خانواده (ویرایش سوم) به وسیله مظاهری (۱۹۹۷ و ۱۳۷۹) به فارسی ترجمه و روی یک نمونه ایرانی اجرا شد.

□ ب - پرسشنامه مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی. این پرسشنامه اطلاعاتی در مورد مشخصات فردی آزمودنیها؛ همچون سن، جنس، میزان تحصیلات، شغل، تعداد فرزندان، ترتیب فرزند، میزان درآمد، قومیت و ... را کسب می کند.

● یافته ها

داده های جمعیت شناختی این پژوهش نشان می دهد میانگین سنی برای پدران از ۴۹/۶۹ در خرم آباد تا ۵۴/۲۰ در سنندج می باشد. برای مادران این گستره سنی از ۴۲/۶۵ در خرم آباد تا ۴۷/۰۳ در سنندج و برای فرزندان این میانگین سنی از ۱۹/۰۷ در خرم آباد تا ۲۰/۴۶ در اصفهان است. همچنین این داده ها در مورد تعداد فرزندان والدین شرکت کننده در طرح نشان می دهد بالاترین درصد (۱۴/۴) مربوط به والدین با ۳ فرزند است، سپس به ترتیب والدین با ۴ (۹/۳٪) و ۲ (۷/۷٪) فرزند قرار دارند. درصد تک فرزندان نیز ۱/۲٪ است. از نظر اینکه فرزند چندم به عنوان آزمودنی جوان در طرح شرکت کرده است، بالاترین درصد مربوط به اولین فرزند با ۱۵٪ است. فرزند دوم و سوم به ترتیب با ۱۳/۳٪ و ۷/۶٪ در جایگاه های بعدی قرار دارند. از نظر قومیتی نیز قومیت فارس با فراوانی ۳۹۴ نفر (۳۴/۹٪) بالاترین فراوانی و قومیت های ترک، کرد و لر به ترتیب با فراوانی (درصد) ۲۶۴ (۲۳/۴٪)، ۲۱۵ (۱۹/۱٪) و ۱۹۲ (۱۷٪) در مکان های بعدی جای گرفتند. از نظر سطح تحصیلات نیز در حالی که درصد مادران بی سواد در مقابل پدران بی سواد، ۱۶/۱ در مقابل ۷/۳ است، درصد پدران با سطح تحصیلی لیسانس به بالا ۱۳/۳ در مقابل ۹/۲ درصد مادران با همین سطح تحصیلات می باشد.

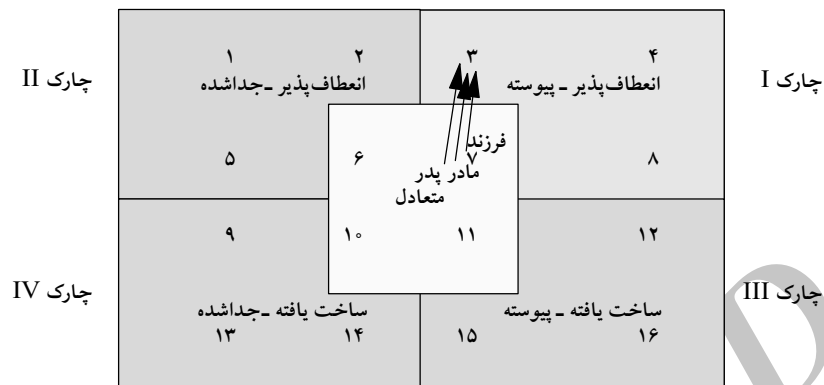
○ در جدول ۱ نتایج بررسی ناشی از تحلیل داده ها در خصوص مقایسه وضعیت ادراک شده و وضعیت آرمانی خانواده ها در شهرهای مختلف نشان داده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که تفاوت انطباق پذیری ادراک شده خانواده ها در شهرهای مختلف معنادار است، به طوری که انطباق پذیری ادراک شده خانواده ها در خرم آباد بیشتر از انطباق پذیری ادراک شده خانواده ها در شهرهای تبریز، اصفهان و سنندج است. به عبارت دیگر خانواده ها در خرم آباد در مقایسه با دیگر شهرها «انعطاف پذیری» یا سازگاری بیشتری با تغییرات را در خانواده گزارش

کرده‌اند. همچنین تفاوت انطباق‌پذیری آرمانی خانواده‌ها در شهرهای مختلف معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که انطباق‌پذیری آرمانی خانواده‌ها در خرم‌آباد بیشتر از انطباق‌پذیری آرمانی خانواده‌ها در شهر تبریز است. بدین معنی که خانواده‌ها در خرم‌آباد مایل هستند که انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتری در خانواده از آنچه که واقعاً هست، وجود داشته باشد.

جدول ۱- تعداد آزمودنیها، میانگین و انحراف معیار نمرات وضعیتهای ادراک شده و آرمانی در خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح در شهرهای مختلف و نتایج تحلیل واریانس یکراه آن

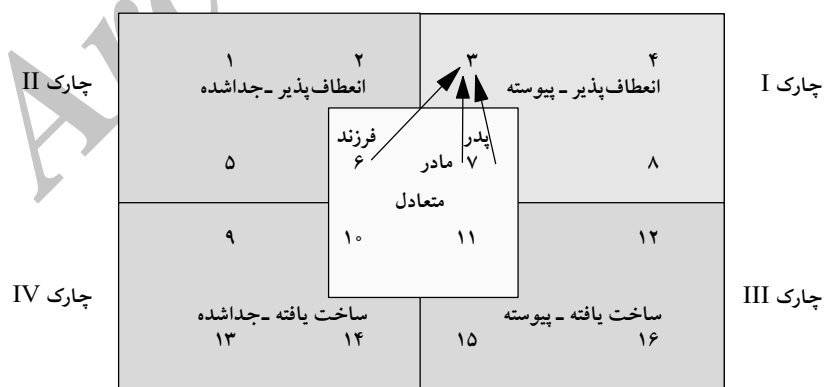
متغیر	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه (کدشهرها)
پیوستگی ادراک‌شده خانواده	تبریز ۱	۶۶	۳۸/۷۹	۴/۶۳	۳۳۷	۱/۴۶	۰/۲۱	
	سندج ۲	۷۲	۳۷/۶۲	۴/۵۴				
	خرم‌آباد ۳	۶۷	۳۸/۶۵	۴/۷۷				
	اصفهان ۴	۷۱	۳۷/۰۹	۵/۵۱				
	تهران ۵	۶۲	۳۷/۸۰	۴/۹۳				
پیوستگی آرمانی خانواده	تبریز ۱	۶۵	۴۲/۱۷	۳/۸۰	۳۳۷	۰/۱۱	۰/۹۷	
	سندج ۲	۶۹	۴۲/۰۸	۳/۲۹				
	خرم‌آباد ۳	۷۱	۴۱/۸۶	۴/۲۸				
	اصفهان ۴	۷۳	۴۲/۲۲	۳/۴۲				
	تهران ۵	۶۰	۴۱/۹۳	۳/۹۳				
انطباق‌پذیری ادراک‌شده خانواده	تبریز ۱	۵۷	۲۷/۰۸	۴/۱۰	۳۱۷	۴/۵۱	۰/۰۰۱	۱ < ۳
	سندج ۲	۷۱	۲۷/۲۹	۳/۲۷				۲ < ۳
	خرم‌آباد ۳	۶۴	۲۹/۶۲	۵/۱۶				۴ < ۳
	اصفهان ۴	۷۱	۲۷/۱۲	۳/۹۱				
	تهران ۵	۵۵	۲۸/۱۲	۳/۶۷				
انطباق‌پذیری آرمانی خانواده	تبریز ۱	۵۸	۳۲/۳۲	۳/۷۹	۳۲۶	۴/۶۸	۰/۰۰۱	۱ < ۳
	سندج ۲	۷۲	۳۳/۴۴	۳/۴۸				
	خرم‌آباد ۳	۶۳	۳۵/۰۸	۴/۰۶				
	اصفهان ۴	۷۱	۳۳/۷۹	۳/۵۹				
	تهران ۵	۶۳	۳۴/۴۳	۳/۹۳				

○ شکل‌های ۱ تا ۵ نشان‌دهنده تفاوت جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک‌شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهرهای مختلف است. لازم است توضیح داده شود که در این شکلها انواع نظامهای خانوادگی به صورت نظام خانوادگی متعادل و چارکها نشان داده شده است. نظام خانوادگی متعادل شامل شماره‌های ۶، ۷، ۱۰ و ۱۱ می‌باشد. چارکها نیز به چهار چارک تقسیم و با شماره‌ها مشخص شده‌اند: چارک اول (I): «انعطاف‌پذیر-جدانشده» (۱، ۲، ۵)، چارک دوم (II): «انعطاف‌پذیر-پیوسته» (۳، ۴، ۸)، چارک سوم (III): «ساخت یافته-جدانشده» (۹)، چارک چهارم (IV): «ساخت یافته-پیوسته» (۱۲، ۱۵، ۱۶).

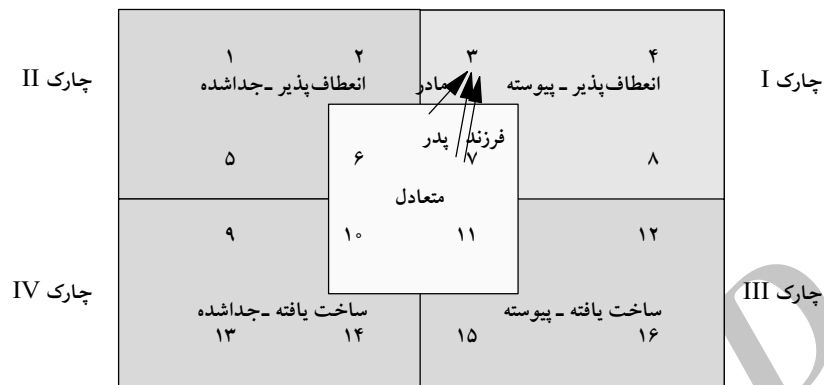


شکل ۱- جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهر تبریز

در شکل‌های ۱ و ۲ جهت تغییرات ناشی از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها در شهرهای تبریز و سنندج نمایش داده شده است. همان‌طور که شکل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد جهت این تغییرات در والدین و فرزندان جوان آنها در این شهرها یکسان بوده و خانواده‌ها در شهرهای تبریز و سنندج در نظام خانوادگی متعادل جای گرفته‌اند. البته مطابق شکل تنها شهری که هر سه عضو خانواده در یک طبقه یا خانه (خانه متعادل) جای گرفته‌اند، شهر تبریز است. در شهر سنندج اگرچه فرزندان و والدین در چارک متعادل جای دارند، اما فرزندان در این چارک از والدین خود فاصله گرفته‌اند.

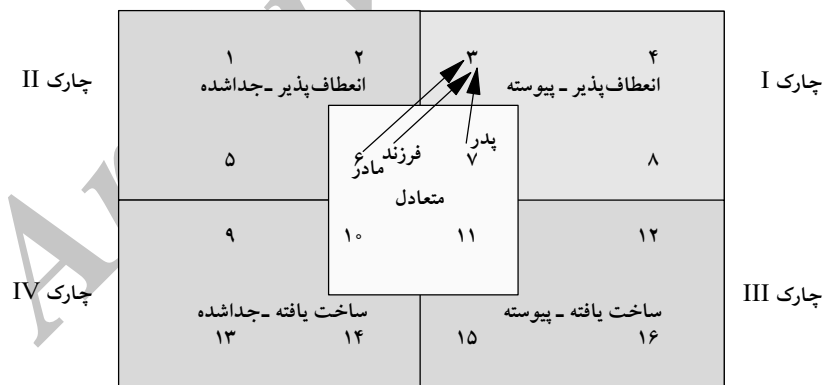


شکل ۲- جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهر سنندج



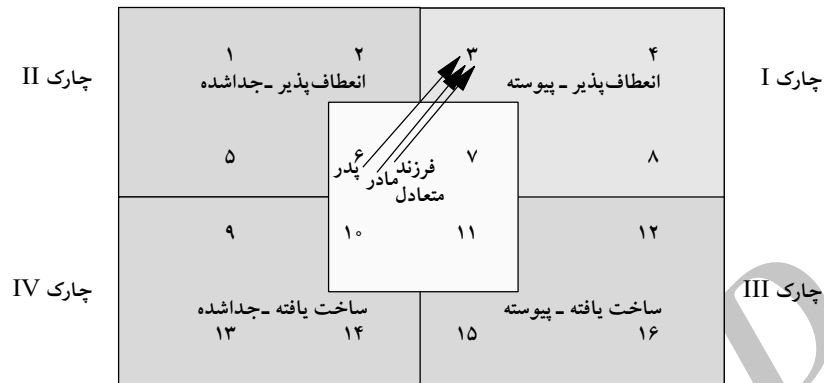
شکل ۳- جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهر خرم آباد

در شکل‌های ۳ و ۴ جهت تغییرات ناشی از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها در شهرهای خرم آباد و اصفهان نمایش داده شده است. همان‌طور که شکل‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد، در حالی که مادران خرم آبادی از پدران و فرزندانشان در چارک متعادل فاصله گرفته‌اند، در اصفهان پدران هستند که از مادران و فرزندان جوان خود فاصله دارند.



شکل ۴- جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهر اصفهان

شکل ۵ نیز جهت تغییرات ناشی از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها در شهر تهران را نمایش داده شده است. البته مطابق شکل تنها شهری که در وضعیت ادراک شده در نیمه «جدا شده» جای دارند، شهر تهران است.



شکل ۵. جهت تغییرات منتج از اختلاف بین وضعیتهای ادراک شده و آرمانی والدین و فرزندان جوان آنها، در شهر تهران

○ در جدول های ۲ تا ۶ نتایج تحلیل مقایسه بین «رضایت پیوستگی و رضایت انطباق پذیری جوانان (دختر و پسر) با والدین در شهرهای مختلف»، با استفاده از آزمون واریانس یکراهه نشان داده شده است.

جدول ۲. تعداد آزمودنیها، میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت پیوستگی، رضایت انطباق پذیری و رضایت کل والدین و فرزندان جوان (دختر و پسر) آنها و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن در شهر تبریز

متغیر	شاخص / نسبت افراد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
رضایت پیوستگی	پدر	۶۹	۳/۷۶	۵/۱۰	۲۰۵	۰/۷۰	۰/۵۴	
	مادر	۶۸	۲/۷۹	۴/۶۹				
	پسر	۴۱	۴/۱۲	۵/۷۱				
	دختر	۲۸	۳/۱۰	۵/۹۳				
رضایت انطباق پذیری	پدر	۶۴	۵/۲۸	۵/۷۸	۱۸۴	۲/۷۹	۰/۰۴	پسر با مادر
	مادر	۶۳	۳/۴۶	۵/۶۸				
	پسر	۳۴	۶/۸۵	۶/۰۴				
	دختر	۲۴	۴/۹۵	۴/۶۵				
رضایت کل	پدر	۶۱	۹/۲۱	۸/۳۷	۱۷۷	۲/۹۴	۰/۰۳	
	مادر	۶۱	۶/۱۱	۷/۵۲				
	پسر	۳۳	۱۰/۸۷	۸/۸۰				
	دختر	۲۳	۷/۹۵	۶/۸۱				

جدول ۲ نتایج انجام تحلیل واریانس داده‌های رضایت پیوستگی و انطباق پذیری در شهر تبریز را نشان می‌دهد. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۴ تفاوت رضایت انطباق پذیری بانسبت افراد در شهر تبریز معنادار است به طوری که نمره رضایت انطباق پذیری پسران در سطح معناداری (۰/۰۵) بیشتر از مادران است. به عبارت دیگر فاصله بیشتر بین انطباق پذیری ادراک شده و آرمانی در پسران منجر به نارضایتی بیشتری در آنها شده است. همچنین چنانکه در جدول ۲ مشخص است در شهر تبریز مردها یعنی پدر و پسر ناراضی تر از دیگر اعضای خانواده یعنی مادر و دختر هستند.

○ در جدول ۳ نتایج انجام تحلیل واریانس داده‌های رضایت پیوستگی و انطباق پذیری در شهر سنندج نشان داده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ تفاوت رضایت پیوستگی بانسبت افراد در شهر سنندج معنادار است به طوری که نمره رضایت پیوستگی دختران در سطح معناداری (۰/۰۳) بیشتر از پدران و نارضایتی آنها بیشتر است. جدول ۳ نشان می‌دهد که در شهر سنندج فرزندان جوان (پسر و دختر) ناراضی تر از والدین (پدر و مادر) هستند.

جدول ۳. تعداد آزمودنیها، میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت پیوستگی، رضایت انطباق پذیری و رضایت کل والدین و فرزندان جوان (دختر و پسر) آنها و نتایج تحلیل واریانس یکراه آن در شهر سنندج

متغیر	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
رضایت پیوستگی	پدر	۷۱	۳/۰۵	۵/۳۸	۲۱۶	۳/۳۷	۰/۰۱	دختر با پدر
	مادر	۷۴	۴/۱۲	۵/۹۲				
	پسر	۳۸	۵/۳۱	۶/۲۷				
	دختر	۳۴	۶/۷۶	۶/۶۰				
رضایت انطباق پذیری	پدر	۷۴	۵/۲۵	۵/۴۹	۲۱۷	۱/۸۷	۰/۱۳	
	مادر	۷۳	۵/۹۳	۵/۰۴				
	پسر	۳۶	۷/۱۶	۵/۷۳				
	دختر	۳۵	۷/۵۴	۵/۸۸				
رضایت کل	پدر	۷۰	۸/۱۴	۸/۴۷	۲۰۹	۴/۴۱	۰/۰۰۵	دختر با پدر
	مادر	۷۲	۱۰/۰۲	۸/۶۴				
	پسر	۳۵	۱۲/۴۰	۱۰/۳۵				
	دختر	۳۳	۱۴/۷۲	۱۰/۴۸				

○ در جدول ۴ نتایج تفاوت در رضایت از پیوستگی و انطباق پذیری جوانان با والدین در شهر خرم آباد با استفاده از آزمون واریانس یکراهه نشان داده شده است. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از $0/004$ تفاوت رضایت انطباق پذیری بانسبت افراد و در سطح معناداری کمتر از $0/005$ تفاوت رضایت کل بانسبت افراد در شهر خرم آباد معنادار است. به طوری که پسران در سطح معناداری ($0/02$ و $0/007$) نمره رضایت انطباق پذیری بیشتری نسبت به پدران و مادران و در سطح معناداری ($0/012$ و $0/014$) نمره رضایت کل بیشتری نسبت به والدین خود دارند و در نتیجه نارضایتی انطباق پذیری و کل آنها نسبت به والدینشان بیشتر است. و بنابر این پسران نسبت به سایر اعضای خانواده نارضایتی تر هستند.

جدول ۴- تعداد آزمودنیها میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت پیوستگی، رضایت انطباق پذیری و رضایت کل والدین و فرزندان جوان (دختر و پسر) آنها و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن در شهر خرم آباد

متغیر	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
رضایت پیوستگی	پدر	۷۲	۲/۱۹	۵/۵۳	۲۰۹	۲/۰۲	۰/۱۱	
	مادر	۷۰	۲/۴۵	۵/۰۱				
	پسر	۳۶	۴/۶۱	۵/۶۲				
	دختر	۳۲	۳/۹۶	۶/۸۱				
رضایت انطباق پذیری	پدر	۷۰	۴/۹۷	۴/۸۶	۲۰۰	۴/۵۶	۰/۰۰۴	پسر با پدر پسر با مادر
	مادر	۶۳	۴/۴۱	۴/۹۲				
	پسر	۳۵	۸/۲۵	۶/۴۲				
	دختر	۳۳	۵/۲۴	۴/۴۹				
رضایت کل	پدر	۶۹	۷/۲۰	۷/۷۹	۱۹۰	۴/۴۲	۰/۰۰۵	پسر با پدر پسر با مادر
	مادر	۶۰	۷/۱۵	۶/۸۵				
	پسر	۳۲	۱۳/۱۵	۱۰/۷۸				
	دختر	۳۰	۸/۵۳	۹/۱۳				

○ جدول ۵ نتایج انجام تحلیل واریانس داده‌های رضایت از پیوستگی و انطباق پذیری جوانان با والدین را در شهر اصفهان نشان می‌دهد. نتایج تحلیل واریانس در جدول ۵، نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از $0/03$ تفاوت رضایت انطباق پذیری بانسبت افراد در شهر

اصفهان معنادار است. آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد نمره رضایت انطباق پذیری دختران در سطح معناداری (۰/۰۳) بیشتر از پدران و ناراضی‌تری آنها بیشتر است. مطابق جدول ۵ در شهر اصفهان زنان (مادر و دختر) ناراضی‌تر از مردان (پدر و همسر) هستند.

جدول ۵- تعداد آزمودنیها میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت پیوستگی، رضایت انطباق پذیری و رضایت کل والدین و فرزندان جوان (دختر و پسر) آنها و نتایج تحلیل واریانس یکراه آن در شهر اصفهان

متغیر	شاخص نسبت افراد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی
								شفه
رضایت پیوستگی	پدر	۷۴	۴/۸۳	۴/۶۷	۲۱۸	۰/۲۰	۰/۸۹	
	مادر	۷۱	۵/۵۴	۵/۵۶				
	پسر	۳۸	۵/۱۸	۷/۰۲				
	دختر	۳۶	۵/۱۱	۴/۶۵				
رضایت انطباق پذیری	پدر	۷۱	۵/۳۰	۴/۶۹	۲۱۷	۲/۹۱	۰/۰۳	دختر با پدر
	مادر	۷۵	۷/۱۲	۵/۵۳				
	پسر	۳۷	۶/۹۱	۶/۴۱				
	دختر	۳۵	۸/۴۲	۵/۳۹				
رضایت کل	پدر	۷۰	۱۰/۰۴	۷	۲۱۰	۱/۵۰	۰/۲۱	
	مادر	۷۱	۱۲/۶۹	۹/۲۲				
	پسر	۳۶	۱۱/۹۴	۱۱/۸۴				
	دختر	۳۴	۱۳/۳۵	۷/۸۱				

جدول ۶ نیز نتایج تفاوت در رضایت از پیوستگی و انطباق پذیری جوانان با والدین در شهر تهران را با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۶ تفاوت رضایت انطباق پذیری با نسبت افراد و در سطح معناداری کمتر از تفاوت رضایت کل اعضای خانواده‌ها در شهر تهران معنادار است. به گونه‌ای که آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد نمره رضایت انطباق پذیری دختران در سطح معناداری (۰/۰۲) و نمره رضایت کل آنها در سطح معناداری (۰/۰۲ و ۰/۰۰۶) به ترتیب بیشتر از پدران و مادران و در نتیجه ناراضی‌تری انطباق پذیری و کل گزارش شده آنها نسبت به والدین بیشتر است. همانگونه که در جدول مشخص است در شهر تهران فرزندان ناراضی‌تر از والدین هستند.

جدول ۶- تعداد آزمودنیها میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت پیوستگی، رضایت انطباق پذیری و رضایت کل والدین و فرزندان جوان (دختر و پسر) آنها و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن در شهر تهران

متغیر	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
رضایت پیوستگی	پدر	۶۷	۳/۴۶	۵/۳۴	۱۹۵	۲/۰۲	۰/۱۱	
	مادر	۶۰	۲/۹۸	۶/۴۵				
	پسر	۳۵	۴/۲۸	۵/۵۸				
	دختر	۳۴	۶/۰۵	۷/۲۹				
رضایت انطباق پذیری	پدر	۶۶	۴/۹۸	۷/۰۹	۱۹۰	۴/۲۵	۰/۰۰۶	دختر با پدر دختر با مادر
	مادر	۶۲	۴/۷۹	۵/۵۸				
	پسر	۳۱	۷/۲۲	۷/۲۲				
	دختر	۳۲	۹/۳۷	۷/۱۸				
رضایت کل	پدر	۶۱	۹/۰۹	۹/۸۷	۱۷۵	۴/۸۰	۰/۰۰۳	دختر با پدر دختر با مادر
	مادر	۵۴	۷/۷۵	۸/۷۷				
	پسر	۳۱	۱۱/۸۳	۱۱/۰۳				
	دختر	۳۰	۱۶/۱۳	۱۲/۶۶				

○ نتایج جدول ۷ نشان دهنده «مقایسه رضایت کلی خانواده‌ها در شهرهای مختلف» است. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۴ تفاوت رضایت پیوستگی و رضایت کل خانواده‌ها در شهرهای مختلف معنادار است، اگر چه آزمون‌های تعقیبی شفه تفاوتی بین گروهها نشان نداد.

جدول ۷- تعداد آزمودنیها میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت کلی خانواده‌های شرکت کننده در طرح در شهرهای مختلف و نتایج تحلیل واریانس یکراهه آن

متغیر	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	سطح معناداری
رضایت پیوستگی	تبریز	۵۹	۳/۶۳	۴/۲۱	۳۰۶	۲/۵۲	۰/۰۴
	سنندج	۶۷	۴/۵۸	۵/۵۲			
	خرم آباد	۶۳	۴/۹۳	۴/۲۴			
	اصفهان	۶۸	۵/۱۵	۴/۲۷			
	تهران	۵۰	۳/۷۲	۴/۸۷			
رضایت انطباق پذیری	تبریز	۴۹	۵/۱۶	۴/۰۷	۲۸۷	۲/۰۳	۰/۰۹
	سنندج	۶۸	۶/۱۴	۳/۵۹			
	خرم آباد	۵۶	۵/۰۴	۳/۷۰			
	اصفهان	۶۷	۶/۸۱	۴/۰۶			
	تهران	۴۸	۵/۹۰	۴/۷۵			
رضایت کل خانواده	تبریز	۴۲	۸/۶۷	۵/۵۳	۲۵۰	۲/۴۴	۰/۰۴
	سنندج	۶۰	۱۱/۶۲	۷/۵۵			
	خرم آباد	۵۰	۹/۰۴	۶/۹۷			
	اصفهان	۶۲	۱۲/۲۹	۷/۵۹			
	تهران	۳۷	۱۰/۴۷	۸/۳۶			

● بحث و نتیجه گیری

○ مطالعه حاضر به «بررسی مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در جوانان و والدین آنها» پرداخت تا موضوع فاصله نسلها را در زمینه تفاوت ادراک و آرمان والدین و فرزندان جوان آنها، بانگامی چند قومیتی بررسی نماید. مطالعات شاپیرو (۲۰۰۴)، یوسفی (۱۳۸۳)، بیات (۱۳۸۳)، پلتون و فورهند (۲۰۰۱) و توکلی (۷۸-۱۳۷۷) بر تأثیر متغیرهای ارزشی، مذهبی، سن، تحصیلات، جنس و درصدهای روابط در بررسی موضوع شکاف نسلها تأکید داشتند. اما مطالعه حاضر به بررسی فاصله نسلها در حوزه ساختار و کنش خانواده و بانگامی مقایسه‌ای بین برخی از اقوام ایرانی تأکید کرد.

○ نتایج تحلیل داده‌ها در این تحقیق تفاوت‌های زیادی را بین ۵ شهر مورد مطالعه نشان داد. اهم این تفاوتها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

□ ۱. در بعد انطباق پذیری (جدول ۱) خانواده‌های ساکن شهر خرم‌آباد «انطباق پذیری» بیشتری را از خانواده‌های ساکن در شهرهای تبریز، سنندج و اصفهان ادراک کرده‌اند و نیز به لحاظ آرمانی انطباق پذیری بیشتری را از خانواده‌های ساکن در شهر تبریز انتظار داشته‌اند.

□ ۲. مقایسه شکل‌های ۱ تا ۵ نشان می‌دهد که اگرچه هر سه عضو مورد مطالعه خانواده در هر پنج شهر محل نمونه‌گیری ساختار آرمانی خانواده خود را به صورت «بی‌نظم- پیوسته» (خانه ۳، شکل ۳) ترسیم کرده‌اند، ساختار ادراک شده خانواده در سه عضو مورد مطالعه خانواده و نیز در شهرهای محل نمونه‌گیری تفاوت‌هایی وجود دارد: در شهرهای تبریز و خرم‌آباد هر سه عضو مورد مطالعه خانواده ساختار خانواده خود را به صورت «انعطاف‌پذیر پیوسته» (خانه ۷، شکل ۳) ادراک کرده‌اند. این در حالی است که در تهران هر سه عضو مورد مطالعه خانواده، در اصفهان دو عضو (مادر و فرزند) و در سنندج فقط فرزندان ساختار خانواده خود را به صورت «انعطاف‌پذیر جداشده» (خانه ۶، شکل ۳) ادراک کرده‌اند.

□ ۳. فرزندان جوان خانواده‌های ساکن در شهر تبریز در مقایسه با چهار شهر دیگر مورد مطالعه کمترین فاصله را با والدین خود در بعد پیوستگی ادراک شده و آرمانی و نیز در بعد انطباق پذیری ادراک شده نشان داده‌اند. این در حالی است که این گروه در مقایسه با چهار شهر دیگر مورد مطالعه بیشترین فاصله را با والدین خود در بعد انطباق‌پذیری آرمانی دارا بوده‌اند.

□ ۴. در بررسی و مقایسه «سطح رضایت خانوادگی» فرزندان جوان خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح با والدین آنها نیز تفاوت‌های جالب توجهی بین پنج شهر مورد مطالعه مشاهده می‌شود. در حالی که در شهرهای تبریز و خرم‌آباد فرزندان جوان پسر خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح،

سطح رضایت پایین تری از یک یا هر دو والدین خود نشان می‌دادند در شهرهای اصفهان، سنندج و تهران این فرزندان جوان دختر خانواده بودند که سطح رضایت پایین تری از یک یا هر دو والدین خود گزارش می‌کردند (جدول‌های ۲ تا ۶).

□ ۵. در حالی که موضوع اصلی رضایت پایین تر از والدین فرزندان جوان خانواده‌ها در سنندج به بعد پیوستگی ساختار خانواده مربوط می‌باشد، در شهرهای تبریز، اصفهان، خرم‌آباد و تهران موضوع اصلی رضایت پایین تر فرزندان جوان خانواده‌ها از والدین آنها به بعد انطباق پذیری ساختار خانواده مربوط بوده است (جدول‌های ۲ تا ۶).

□ ۶. به طور خاص تر، در تبریز سطح رضایت انطباق پذیری فرزندان جوان پسر خانواده‌های شرکت‌کننده از مادران آنها به طور معناداری پایین تر است (جدول ۲). در خرم‌آباد نیز سطح رضایت انطباق پذیری و رضایت کل فرزندان جوان پسر خانواده از هر دو والدین (پدران و مادران) آنها کمتر است (جدول ۲). این در حالی است که در اصفهان سطح رضایت انطباق پذیری فرزندان جوان دختر خانواده‌های شرکت‌کننده از پدران آنها به طور معناداری پایین تر است (جدول ۵). و در تهران نیز سطح رضایت انطباق پذیری و رضایت کل خانواده فرزندان جوان دختر خانواده از هر دو والدین (پدران و مادران) آنها پایین تر است (جدول ۶). در مقابل این ۴ شهر، در سنندج سطح رضایت پیوستگی فرزندان جوان دختر خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح به طور معناداری از پدران آنها پایین تر بوده است (جدول ۳).

□ ۷. در مقایسه پنج شهر مورد مطالعه، تفاوت یا بزرگی فاصله رضایت پیوستگی فرزندان جوان خانواده و والدین آنها در شهر سنندج بیشتر از ۴ شهر دیگر مورد مطالعه و در اصفهان کمتر از دیگر شهرهای مورد مطالعه بوده است.

○ مرور اجمالی تفاوت‌های مشاهده شده در نمونه تحقیق بر اساس شهر محل سکونت آنها به سادگی این فرض را برای پژوهشگران مطرح می‌کند که این تفاوت‌ها را بایستی بیش از هر چیز به خصوصیات قومی خانواده‌های مورد مطالعه نسبت داد. لازم به توضیح است که از پنج شهر مورد مطالعه در این تحقیق صرف نظر از تهران که از نظر ترکیب جمعیتی، کم و بیش متشکل از بیشتر اقوام ایرانی است، در تبریز بخش عمده جمعیت ساکن را ترک‌ها، در سنندج بخش عمده جمعیت ساکن را کردها در خرم‌آباد بخش عمده جمعیت ساکن را لرها و در اصفهان بخش عمده جمعیت ساکن را فارس‌ها تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب اگرچه در زمان جمع‌آوری داده‌ها هیچگونه کنترل و معیاری برای حذف خانواده‌های ساکن در این شهرها که وابستگی قومیتی متفاوتی داشته‌اند اعمال نشده است، ولی به هر حال با توجه به تصادفی بودن نمونه‌گیری می‌توان چنین

فرض کرد که خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح در شهرهای مختلف مورد مطالعه عمدتاً وابسته به همان قومیتی بوده‌اند که بخش بزرگی از جمعیت ساکن آن شهر را تشکیل می‌دهند.

○ همان طور که اشاره شد موضوع مقایسه خصوصیات مختلف روانشناختی فرهنگها و قومیتها یکی از مهمترین زمینه‌های علاقه‌مندی روانشناسان بین فرهنگی و روانشناسان فرهنگی محسوب می‌شود و زمینه‌ای تقریباً جدید و نوپا، اما در عین حال بسیار جذاب و ضروری است. به عنوان مثال هوفستد و مک کری (۲۰۰۴) در مقاله برگزیده‌ای رابطه خصوصیات شخصیتی در نظریه پنج عاملی شخصیت را با جهت‌گیریهای فرهنگی در فرهنگهای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. پژوهشگران در بررسیهای خود به هیچ تحقیقی که به بررسی و مقایسه خصوصیات روانشناختی اقوام مختلف ایرانی پرداخته باشد دست نیافتند. این در حالی است که با توجه به ترکیب چند قومیتی جامعه ایرانی انجام چنین مطالعاتی برای فراهم آوردن شناختی درست و جامع از جامعه ایرانی بسیار لازم و ضروری می‌نماید. بدیهی است که با توجه به ماهیت میان رشته‌ای موضوع انجام درست چنین پژوهشهایی مستلزم همکاری روانشناسان با متخصصین رشته‌های دیگر خاصه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان فرهنگی بوده و به طور خاص نیازمند آشنایی کامل با خصوصیات فرهنگی اقوام مورد مطالعه می‌باشد.

○ تفاوت مهم دیگری که در شهرهای مورد مطالعه در این پژوهش وجود دارد تفاوت این شهرها از نظر خصوصیات فیزیکی، آب و هوایی، جغرافیایی و در یک کلام زیستبومهای آنها است. «زیستوم به جایی گفته می‌شود که مردم در آنجا زندگی می‌کنند و شامل اشیاء، منابع جغرافیای محیط و روشهایی است که فرد با آنها زندگی می‌کند و بقا می‌یابد» (تری یاندریس، ۱۳۷۸؛ ص. ۴۶) تحقیقات نشان می‌دهند که رفتار انسان علاوه بر ارزشها و معیارهای فرهنگی، از عوامل بوم شناختی نیز متأثر می‌شود (مرتضوی، ۱۳۷۰). الیک و مک کری (۲۰۰۴) با بررسی خصوصیات شخصیتی نمونه‌هایی از ۳۶ فرهنگ مختلف در پنج قاره کره زمین تلاش کرده‌اند نقشه‌ای هر چند کلی و اولیه از جغرافیای صفات و خصوصیات شخصیتی تهیه و ارایه کنند. متأسفانه پژوهشگران در این چارچوب هم به تحقیقی که به مقایسه خصوصیات روانشناختی ساکنین مناطق مختلف جغرافیایی ایران پرداخته باشد، دست نیافتند. این در حالی است که با توجه به تنوع بسیار زیاد جغرافیایی ایران و زیستبومهای بسیار متفاوت در کشور، طراحی و اجرای چنین پژوهشهایی لازمه دست یافتن به شناختی جامع الاطراف و صحیح از جامعه ایرانی محسوب می‌شود.

○ از زاویه‌ای متفاوت، مقایسه آمارهای «طلاق» و جرایم و دعاوی خانوادگی در شهرهای

مورد مطالعه نیز جالب توجه است؛ در حالی که آمارهای گزارش شده حاکی از کاهش رشد این جرایم در شهر خرم‌آباد در فاصله سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ می‌باشد در همین سالها آمارها نشان دهنده افزایش رشد این جرایم در شهرهای تهران و اصفهان می‌باشد (به نقل از موسوی چلک، ۱۳۸۳). روشن است که این تحقیق مدعی توضیح مسئله تفاوت ساختار و آرمان خانواده در شهرها تنها با استناد به عاملهای مورد اشاره - تفاوت‌های قومی و بین فرهنگی و تفاوت زیست‌بومها نمی‌باشد. در واقع همان گونه که در پژوهشها نیز گزارش شده است شک نیست که این مسئله موضوعی با ابعاد متعدد است و نبایستی در تحلیل و تفسیر یافته‌ها به این نتیجه رسید که عاملی خاص در بروز این پدیده نقش ایفا می‌کند. همچنین در تعمیم نتایج این پژوهش بدین دلیل که بررسی مسئله فاصله بین نسلی صرفاً در شهرهای مراکز استانهای ایران مورد بررسی محدود شده است و همچنین علیرغم اینکه تفاوت بین نسلی در حوزه خانواده در شهرهای مختلف مقایسه شده است اما این مسئله در قومیت‌های مختلف مورد بررسی قرار نگرفته است جانب احتیاط بایستی رعایت شود.

○ از جمله محدودیتهای این پژوهش این بوده است که پژوهش حاضر فاصله بین نسلی در حوزه ساختار خانواده را در تعدادی از قومیت‌های ایرانی بررسی کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به نقش فرهنگ آداب و رسوم در شکل‌گیری تفاوتها و تمایز رفتاری، و با توجه به بافت و ساختار اجتماعی جامعه ایرانی که چند قومیتی است بررسی مقایسه‌ای فاصله بین نسلی در سایر اقوام ایرانی نیز مانند عرب، بلوچ، ترکمن و ... امری لازم و ضروری است. همچنین در پژوهش حاضر بررسی فاصله بین نسلی صرفاً به اندازه‌گیری این مسئله در شهرهای مراکز استانهای مورد بررسی محدود شده است در حالی که بهتر است حداقل این بررسی در برخی از شهرهای کوچک و حتی روستاهای این استانها نیز انجام می‌شد.

○ توصیه پژوهشگران برای تحقیقات آتی آن است که با توجه به اینکه ایران به عنوان کشوری با گستردگی جغرافیایی وسیع، و متشکل از قومیت‌های مختلف، می‌تواند شکل‌های متنوعی از خانواده را در خود جای دهد، تحقیقاتی به صورت انسجام یافته در خصوص تفاوت بین نسلی در خانواده‌های ایرانی در مناطق جغرافیایی مختلف کشور با شیوه‌های سکونت متفاوت و از اقوام مختلف ایرانی و حتی با در نظر گرفتن تفاوت ادیان و مذاهب انجام شود.

○ ○ ○

یادداشت‌ها

1- Goldenberg,

2- microculture

- | | |
|--|-------------------|
| 3- Segalen | 4- generation gap |
| 5- rebellion | 6- Coopersmith |
| 7- family acculturation conflicts | 8- ecology |
| 9- Triandis, H. | |
| 10- Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale, (FACES-III) | |
| 11- cohesion | 12- adaptability |

منابع

- برجعلی، احمد. (۱۳۸۰). تحول شخصیت در نوجوان. تهران: دهکده.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۲). تعارض ارزشهای نوجوانان با ارزشهای جامعه و والدین. در گسست نسلیها، به اهتمام: علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- تری یاندریس، هری. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی. ترجمه نصرت فتی. تهران: رسانه.
- توکلی، مهناز. (۱۳۷۸). بررسی نظام ارزشهای دونسل دختران (نسل انقلاب) و مادران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه‌های برجمله‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سگالن، مارتین. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: آوای نور.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۸۲). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند. تهران: روان.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۷۰). آشنایی با روانشناسی بین فرهنگی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- موسوی چلک، سیدحسن. (۱۳۸۳). مجموعه تحلیل‌های آماری مسایل اجتماعی ایران، ۱- جرایم و دعاوی خانوادگی. تهران: شلاک.
- موسوی چلک، سیدحسن. (۱۳۸۳). مجموعه تحلیل‌های آماری مسایل اجتماعی ایران، ۲- خشونت و سرقت. تهران: شلاک.
- موسوی چلک، سیدحسن؛ و سلطانی، فاطمه. (۱۳۸۳). مجموعه تحلیل‌های آماری مسایل اجتماعی ایران، ۳- ازدواج و طلاق. تهران: شلاک.
- یوسفی نریمان. (۱۳۸۲). سبکهای تربیتی و شکاف بین نسلی. در گسست نسلیها به اهتمام: علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسلیها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Catherine, L.; Castigan, Ai-Lanchia.; & Daphne, P., D. (2002). *Acculturation, parenting, and adjustment in immigrant Chinese families*. Retrieved July 18, 2006. from <http://www.findarticle.com>.
- Friedenberg, E. (1969). Current patterns of a generation conflict. *Journal of Social Issues*. 25: 21-38.
- Hofstede, G.; & McCrae, R. R. (2004). Personality and culture revisited: Linking traits and dimensions of culture. *Cross-Cultural Research*. 1-26.

- Lee, K. H.; Choe, J. S.; & Kim, K. W. (2000). *Child: From home to society*. Retrieved July 20, 2006. from <http://www.find article.com>.
- Lerner, R. M.; & Spanier, G. B. (1980). *Adolescent development: A life-span perspective*. New York: McGraw Hill.
- Minuchin, P. (1985). Families and individual development: Provocations from the field of family therapy. *Child Development*. 56: 289-302.
- Nelsen, H. M. (1981b). Gender differences in the effects of parental discord on preadolescent religiousness. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 20: 351-360.
- Olson, D. H. (1989). *Family Social Science*, University of Minnesota.
- Olson, D. H.; Portner, J.; & Lavee, Y. (1985). FACES III. Unpublished manuscript, *Family Social Science*, University of Minnesota.
- Olson, D. H.; McCubbin, H. I.; Barnes, H. L.; Larsen, A. S.; Muxen, M. J.; & Wilson, M. A. (1983). *Families: What makes them work*. London. Sage.
- Pelton, J.; & Forehand, R. (2001). Discrepancy between mother and child perceptions of their relationship: I. Consequences for adolescents considered within the context of parental divorce. *Journal of Family Violence*. 16(1): 1-15.
- Shapiro, A. (2004). Revisiting the generation gap: Exploring the relationships of parent/adult-child dyads. *INTL. Journal of Aging and Human Development*. 58(2): 127-146.
- Spilka, B.; Hood, R. W.; Hunsberger, B.; & Goursuch, R. (2003). *The psychology of religion* 3rd Edition. NY: Guilford.
- Vandvik, I. H.; & Eckblad, G. F. (1993). FACES III and the Kvebaek Family Sculpture Technique as measures of cohesion and closeness. *Family Process*. 32: 221-233.

